

نامه سرگشاده به مسئولین گروه رهپویان وصال

خواهران و برادران محترم،

من بعضی از اوقات از سر بیکاری نگاهی به سایتهای مذهبی میاندازم چون علاقه مذهبی دارم و هنوز مثل خیلی از جوانها بیدین نشدم. اما چندتا دیگر از این مقالات بخوانم نمیدانم وضع چه خواهد شد. از سایت آیت الله منتظری - صانعی - سروش - کدیور - ملی مذهبی و رهپویان تصادفاً هم به نام خرافاتزدائی پیدا کردم. حس ششم مرا تحریک کرد ببینم اینها چه میگویند. چون راستش از کلمه خرافات زدائی خیلی خوشم آمد. چون میبینم همه بدبختی های ما از ترویج همین اوهام و خرافات بین ما بوده است. اما حالا این بحث را میگذاریم برای بعداً.

اما چون دیدم رویشان به طرف شما است و درباره ایراداتی که شما به بهانیان میگیرید هم مقالات شما را خوب خواندم هم جوابهای آنها را به شما مطالعه کردم. کم کم دارم به این نتیجه میرسم که آنها به شما جوابهای معقولی دادند. من فکر کردم شما باز با آنها بحث میکنید. اما متأسفانه خبری نشد. هر گاه و بی گاهی به سایت شما نگاه میکردم بلکه یک مطلب جدیدی ببینم. اما چیزی نبود. تا چند روز پیش دیدم سایت چراغ میزند «new new!» خوشحال شدم سایت را باز کردم یک مقاله ۵ صفحه ای بود. البته باید بگویم قبلش هم به سایت آیتالله منتظری نگاه کرده بودم که یک جواب مفصلی به یک سؤال داده بود راجع به امامان و اینکه در حق آنها غلو میکنند. مقاله شما را خواندم. فکر می کنم یک آدم بدجنس خواسته شما را بدنام کند و این مقاله را به اسم شما جا زده که شما را قشری و عقب مانده نشان بدهد. امیدوارم درست فکر کرده باشم.

در این مقاله میخوانیم مردی از خراسان میاید، یکی از قم بلند می شود، لشکر سفیانی میاید اما توی زمین فرو میرود، ساکنین بهشت همه میایند رو کره زمین، امام همه ترکها و روسها را میکشد و از این قصه ها که عالم به هم خورد. (من چون رمان نمیخوانم از این حرفها چیزی سرم نمیشود اما در بچگی امیر ارسلان نامدار و قصه های حسین کرد شبستری را خوانده بودم. این قصه شما درباره امام زمان اگر بدتان نیاید چند درجه هم از آنها پائینتر است. قدیما یک فیلمی بود به نام مرد شش ملیون دلاری. این قصه را که شما نوشتید شاید بشود به جای مرد شش بلیون دلاری به کارگردان سینمایی بفروشید.) شما با نوشتن این قصه ها تتمه ایمان مردم و آبروی اسلام را میبرید. دلم میخواهد بدانم آیتالله منتظری - صانعی و روشنفکرانی مثل اشکوری - کدیور - سروش اینها چه میگویند.

شما به بهانیها خوب هرچه دلتان میخواهد بگویند. گو اینکه کار خوبی نیست اما خوب میشود گفت از سر تعصب مذهبی و عشق به اسلام و از این حرفها است. اما تهمت و افترا و دروغ از قول امام و معصوم درست کردن فکر می کنید در آن دنیا جرمی ندارد؟؟؟ حدیثی هم هست از معصوم که میگویند فرموده: هرکه در حق ما دروغ بگوید در جهنم سروکارش با مار و قاشیه است. شما آن دنیا جواب معصوم که از قولش این دروغها را سر هم کردید چه میخواهید بگویند؟ اگر امام از شما بپرسد من کجا این حرفها را زدم چه جوابی می دهید؟ اگر امام حسن عسکری به شما بگوید من کی بچه داشتم که برود غایب بشود شما چه جوابی دارید بدهید؟ اگر امام بفرماید آن سنان روغن فروش و پسرش که این حقه را سر هم کردند و با این بهانه آن قدر از مردم پول گرفتند و مردم بدبخت را سروکیسه کردند! چه جوابی میدهید؟

اگر امام بفرماید چرا برادر بدبختم جعفر را که گفت برادرم بچه نداشت به نام کذاب معروفش کردید، چه خواهید گفت؟ چهارتا آدم اسم خودشان را نواب گذاشتند و مردم را سرو کیسه کردند و آن پولها را که گرفتند به کی دادند؟؟؟ من اصلاً کجا زنی به اسم نرجس خاتون داشتم که ازش پسری داشته باشم؟؟ من کی به عمه ام بیبی حلیمه گفتم که ما امامان را از رون میزایند؟؟ دروغ از این بزرگتر هم آیا میشود؟ مگر خودش ندیده بود که امامان چطوری متولد میشوند که چنین دروغی را به اسم او بسازید؟ این دروغها در آخرت جزا دارد. تازه اگر من پسر هم داشتم چرا باید برود تو چاه؟ آیا جا

قهدی بود؟؟؟ اقلا مسیحیها میگویند مسیح رفته به آسمان! پس شما خوب بود میگفتید رفت به آسمان نه به چاه!

نمیدانم شما جواب اینها را آن دنیا چه جوری میخواهید بدهید؟؟؟ بعد از همه اینها اگر شما مسلمان هستید و به پیغمبر ایمان دارید مگر خود پیغمبر در قرآن نگفته من غیب نمیدانم؟ اگر قبول ندارید قرآن را یک دفعه دیگر بخوانید.

البته می دانید که علمای اسلام با اینجور قصه بافی ها مخالف اند چون فکر میکنم شما این مقاله را نشر نمیدهید خودم برای خیلی ها میفرستم تا مردم بدانند همه مسلمانها هم از این حرفهای بی ربط نمیزنند.

امیدوارم همانطوری که قبلا گفتم یک آدم بدجنسی این مقاله را برای بدنام کردن شما نوشته باشد. شما خودتان بنویسید این مقاله به ما مربوط نبوده تا خیال ما راحت شود. عزت همگی شما زیاد

اردیبهشت ۸۵
ابوالفضل هفتتنی